



ایران ورجاوند



مجله ایران‌شناسی | سال ۴ | شماره ۷ | پاییز و زمستان ۱۴۰۰ | ۵۰۰۰۰ تومان

- ◆ مهرها و اثر مهرهای تپه دهسوار، کرمانشاه
- ◆ آثار حجاری ناتمام نویافته در روانسر کرمانشاه
- ◆ معرفی پل شیر پناه در مسیر شاهراه اریوچان-تیسفون
- ◆ الهه نانا و شاهنشاهی کوشانیان: ردپای میان‌رودانی و ایرانی
- ◆ معماری به‌عنوان منبعی برای تاریخ محلی روزگار مغول: نمونه موردی ورامین
- ◆ تابوت سنگی برف‌آباد؛ شواهدی از یک تدفین دوره اشکانی در حاشیه دشت اسلام‌آباد غرب کرمانشاه
- ◆ تفاوت‌ها و شباهت‌ها در خلق هنر گنداره: مطالعه موردی مدل‌سازی مکتب هده (جلال‌آباد افغانستان)
- ◆ تحلیلی بر عناصر معماری شیعی در آرامگاه‌های دوره قاجار در مقایسه با مقبره‌های اهل تسنن در آذربایجان غربی

ایران ورجاوند

ایران ورجاوند زنده است



دوفصلنامه ایران شناسی

سال ۴ | شماره ۷ | پاییز و زمستان ۱۴۰۰ | ۱۲۰ صفحه |
شماره ثبت مجله: ۸۰۶۸۸ | شماره ثبت نشان: ۲۹۶۲۹۸ |
صاحب امتیاز و مدیر و سردبیر: دکتر شاهین آریامنش |
مدیر داخلی: هوشنگ رستمی |

نشان مجله ایران ورجاوند برگرفته از گچبری ساسانی یافت شده از تیسفون عراق مربوط به دوره ساسانی است. داستان این گچبری به سال‌ها پیش بازمی‌گردد هنگامی که اسکار رویتز باستان‌شناس آلمانی همراه گروهش در سال ۱۹۲۹ میلادی در تیسفون در محدوده ساختمان بزرگی با نام معارید در حدود ۳ کیلومتری تاق کسری و ۱/۷۵ کیلومتری شمال دهکده سلمان پاک به کاوش‌های باستان‌شناسی پرداخت که در این کاوش‌ها از محلی که سپس تر خانه معارید ۶ نام گرفت شماری صفحه‌های گچبری گرد به دست آورد که در میان آنها صفحه‌گردی با دو بال گشوده شده از روبه‌رو وجود داشت که این دو بال، نشانی به شکل هلال ماه را دربر گرفته‌اند. این گچبری در موزه برلین آلمان نگهداری می‌شود.

تصویر جلد: قطعه‌تزیینی از قصر ابونصر شیراز، سده ۶ و ۷ میلادی، ساسانی (۴)، موزه متروپولیتن نیویورک

تهران، صندوق پستی ۵۶۹-۱۴۵۱۵

www.iranvarjavand.ir

Iranvarjavand@hotmail.com

۰۹۳۹۵۹۶۹۴۶۶

چاپخانه: ایران کهن



همه حقوق این اثر برای ایران ورجاوند محفوظ است. تکثیر، انتشار، چاپ و بازنویسی این اثر یا بخشی از آن به هر شیوه همچون رونوشت، انتشار الکترونیکی، ضبط و ذخیره روی سی دی و چیزهایی از این دست بدون موافقت کتبی و قبلی مجله ایران ورجاوند ممنوع است و متخلفان بر پایه قانون «حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان ایران» تحت پیگرد قرار خواهند گرفت.

| با همکاری گروه پژوهشی باستان‌کاوی تیسافرن |



”سیاهه“

مقاله

- مهرها و اثر مهرهای تپه دهنسوار، کرمانشاه | سوزان پولاک، رینهارد برنیک و کریستین کاینت، ترجمه ماندانا صدفی و مجتبی چرمچیان ۴
- تابوت سنگی برف آباد؛ شواهدی از یک تدفین دوره اشکانی در حاشیه دشت اسلام آباد غرب، کرمانشاه | شهرام علی یاری و سجاد علی بیگی ۱۶
- تفاوت‌ها و شباهت‌ها در خلق هنرگنواره: مطالعه موردی مدل‌سازی مکتب هده (جلال آباد افغانستان) | الکساندرا وانلین، ترجمه باقر فاضلی ۲۲
- الیه نانا و شاهنشاهی کوشانیان: ردپای میان‌رودانی و ایرانی | مانی‌سعدی‌نژاد، ترجمه باقر فاضلی ۴۳
- معرفی پل شیر پناه در مسیر شاهراه اریوحان-تیسفون اعلی نوراللهی ۵۱
- آثار حجاری ناتمام نویافته در روانسر کرمانشاه | ناصر امینی‌خواه ۶۷
- معماری به‌عنوان منبعی برای تاریخ محلی روزگار مغول: نمونه موردی ورامین | شیلا بلر، ترجمه محسن سعادت ۷۶
- تحلیلی بر عناصر معماری هویت شیعی در بناهای آرامگاهی دوره قاجار در مقایسه با مقبره‌های هم‌عصر اهل تسنن در آذربایجان غربی | اسماعیل معروفی اقدم، علی صدرایی و فریبرز طهماسبی ۹۱

درگذشتگان

۱۱۳

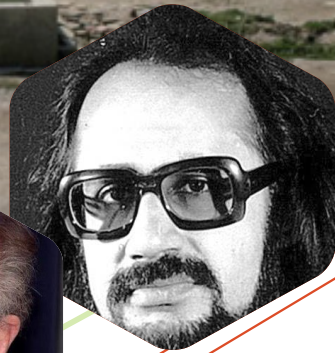
درگذشتگان ایران شناسی | آرشاک ایروانیان

بخش انگلیسی

In search of Ērānšahr, Records and scientific studies of Antonio Panaino, Italian Iranologist | Afshin Aryanpur 3



مقاله



مجله ایران شناسی ایران ورجاوند

معماری به عنوان منبعی برای تاریخ محلی روزگار مغول: نمونه موردی ورامین*

شیلا بلر

ترجمه محسن سعادت

دکتری باستان‌شناسی دوران اسلامی دانشگاه تربیت مدرس
و کارشناس باستان‌شناسی اداره کل میراث فرهنگی استان تهران

چکیده

این مقاله به بررسی تاریخ دوره مغول به عنوان یک ولایت از دیدگاه اسناد مکتوب و نگاه مورخان هنر و معماری می‌پردازد. این مرکز بر شهر ورامین و زیارتگاه‌های متعدد آن متمرکز بوده و نشان دهنده چگونگی ابنیه‌ها و تزئینات آنها، بازخورد گسترده کاشی‌های لعابدار مشخص و تاریخدار، می‌تواند منبع غنی برای نوشتن تاریخ باشد.

از عدسی اسناد مکتوب مورخان بلکه از نظر مورخان به هنر ابنیه‌ها و تزئینات آنها استفاده می‌شود. این مرکز بر شهر ورامین و امامزاده‌های آن متمرکز است، به‌ویژه امامزاده یحیی که نشان می‌دهد چگونه ساخته شده، توسعه یافته و بازسازی آن و ابنیه دیگر، رونق روز افزون شهر و نقش حکام ایالت آن در زمان مغول را به ثبت رسانده است. بنابراین با «نمایی از کناره» به ما کمک می‌کند.^۳

همان‌طور که دیوید مورگان نزدیک به یک دهه پیش در مقاله ارزیابی امپراتوری مغول در تاریخ جهان اظهار داشت «یکی از کمبودهای دانش ایلخانان، تمرکز بیش از حد آنها در مرکز است»^۱. کار اخیر، وی در آنجا خاطر نشان کرد که برای جبران تعادل کمک کرده است، وی توجه خود را به چندین مقاله در مورد فارس جلب کرد.^۲ این مقاله نظر مورگان در ارتباط با بررسی ایالت‌ها را دنبال می‌کند، نه تنها

* این مقاله برگردانی است از:

Blair, Sheila, 2016. Architecture as a Source for Local History in the Mongol Period: The Example of War'am-in, *Journal of the Royal Asiatic Society*, Vol 26 / Issue 1-2 / January 2016, pp 215 - 228

1 David Morgan, "The Mongol Empire in world history", in Linda Komaroff (ed.), *Beyond the Legacy of Genghis Khan* (Leiden and Boston, 2006), p. 429.

۲ علاوه بر چندین مقاله از تاریخ‌نویسان هنر در مجله عمومی که در یادداشت ۱ ذکر شد نگاه کنید به:

Denise Aigle, *Le Fars sous la domination Mongole: Politique et fiscalit e* (XIIIe-XIVe s.) (Paris, 2005).

۳ عبارت نمایی از لبه به‌عنوان یکی دیگر از یادنامه‌های اخیر مورخ ایرانی قرون میانی اشاره دارد:



تصویر ۱. نمایی از امامزاده یحیی ورامین. عکس: شیلا بلر و جانانان بلوم

و سلطانیه را به محوطه‌های شرقی‌تر در قومس و خراسان متصل می‌کرد. در این دوره، ورامین از یک روستا (ده) به یک ایالت (قصبه) و مرکز (دارالملک) استان (تومان) از ری تبدیل شد. براساس وقایع معاصر، جمعیت این منطقه عمدتاً شیعه به‌ویژه دوازده امامی بود.

شکوفایی ورامین در دوره مغول و تعصبات دینی آن به‌طور منظم در امامزاده یحیی به‌عنوان مهمترین عبادتگاه متعدد در شهر محصور شده است (تصویر ۱).^۲ در مرحله معروف

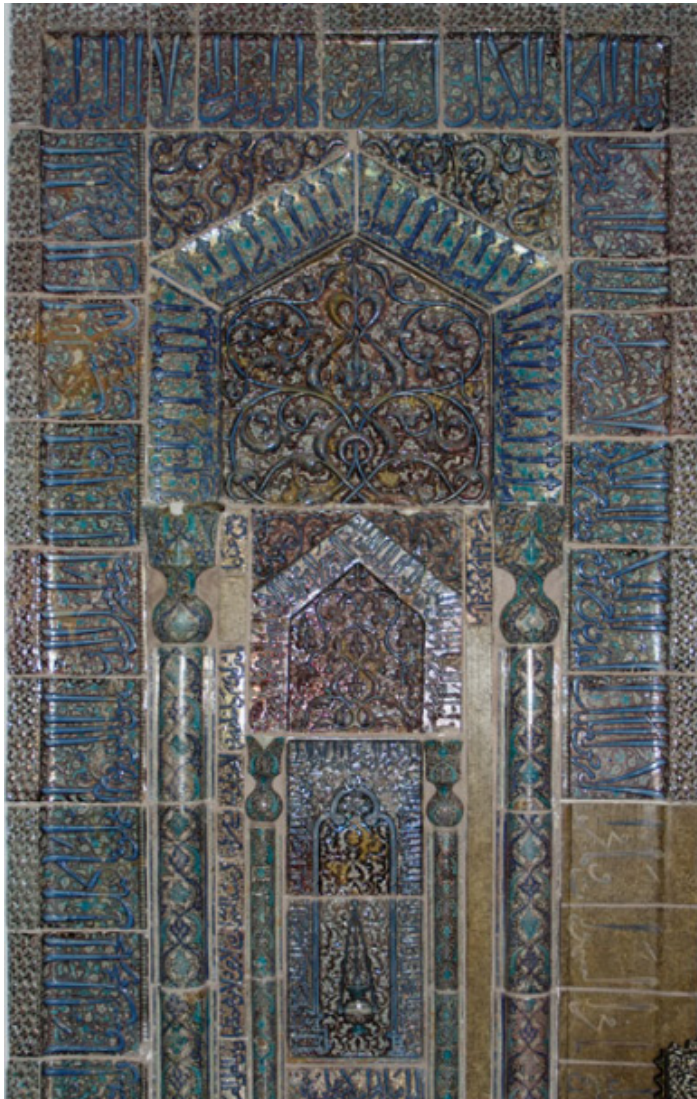
شهر ورامین ($35^{\circ} 19' N$ $40^{\circ} 51' E$) در حدود پنجاه کیلومتری جنوب شرقی تهران و در یک دشت حاصلخیز قرار دارد.^۱ با بهره‌مندی از آب تأمین شده توسط رودخانه‌ها، این شهر قبلاً در قرون میانی به‌دلیل محصولات کشاورزی از جمله پنبه، ذرت و میوه‌جات شناخته شده بود. این شکوفایی پس از آن بود که مغولان در سال ۶۱۷/۱۲۲۰ ری را غارت کردند، بخشی از آن به‌دلیل موقعیت راهبردی آن در بزرگراه اصلی شرق به غرب بود که تبریز

Neguın Yavari, Lawrence G. Potter, and Jean-Marc Ran Oppenheim (eds.), *Views from the Edge: Essays in Honor of Richard W. Bulliet* (New York, 2004).

۱ منابع در رابطه با این شهر شامل:

Hamdallah Mustawfi al-Qazwīnī, *Nuzhat al-qulub*, (ed.) Muh. ammad Dabir Siyāq (Tehran, 1336), pp. 56, 59; and translated by Guy LeStrange, *Gibb Memorial Series* (Leyden and London, 1919), pp. 58–61, 168; W. Barthold, *An Historical Geography of Iran*, translated by Svat Soucek (Princeton, 1984), pp. 124–126; and C. E. Bosworth, "Waramīn", EI2.

2Donald Wilber, *The Architecture of Islamic Iran: the Il Khānid Period* (Princeton and



تصویر ۲. محراب لعابد ار امامزاده یحیی ورامین و اکنون در بنیاد هنر اسلامی دوریس دوک (شماره ۳۲۷/۴۸).
عکس: شیلا بلر و جانانان بلوم

است.^۱ مجموعه جدید شامل یک مقبره گنبدی مربع شکل (به عرض حدود ۱۰/۶ متر) است که با چند اتاق کم ارتفاع احاطه شده است. مورخ معمار دونالد ویلبر، که در ماه می سال ۱۹۳۹

کوهنا گیل در بخش جنوب شرقی نزدیک مسجد جمعه واقع شده است، گفته می شود که این ضریح برای بزرگداشت قبر یکی از نوادگان نسل ششم نوه پیامبر اکرم (ص)، حسن

New York, 1955; reprint 1969), pp. 109–111, no. 11; Muhammad Mahdī 'Uqabī: Binahā-yi Aramgahī (Tehran, 1376), pp. 362–365; Ganjnameh, vol. 13/3: Emamzadehs and Mausoleums (part III) (Tehran, 2010), pp. 82–87.

1 Parviz Varjavand, "Emamzāda iii. Number, distribution, and important examples", Encyclopaedia Iranica, gives the imam's genealogy as Yahyā b. 'Alī b. 'Abd-al-Rahman b. Qasim b. Hasan b. Zayd b. Imam Hasan.

مقبره را بررسی کرد، مشخص کرد که هرچند اتاق‌های اطراف متعلق به دوران بعد بوده، اما سبک آن مربوط به دوره ایلخانی است، براساس اندازه آجرها (۲۲ سانتی‌متر مربع)، با استفاده از طاقچه‌های گوشه‌دار عمیق، با آزاره به گروه‌های مختلف تقسیم شده، نوعی آجر تویی در دیواره‌های خارجی فوقانی و مجموعه‌ای از نمای خارجی گنبد وجود دارد.

فضای داخلی مقبره یک بار با شکوه و ظرافت گچبری و کاشی‌کاری آشکار شد، اما پیش از زمان بازدید ویلبر، تمام کاشی‌های ستاره‌ای و صلیبی شکل از دورتادور (تا ارتفاع حدود ۱/۸۵ متر) برداشته شده و منطقه محراب با آجر مسدود شده است (عرض مساحت حدود ۲/۲۸ متر است). ما می‌دانیم که تزئینات اصلی شامل کاشی‌های لعابدار بوده، زیرا نیم قرن قبل از آن در سال ۱۸۸۱ ژان دیولافوا^۱ از این مکان بازدید کرد، محراب و برخی کاشی‌های ستاره‌ای و صلیبی شکل هنوز در محل وجود داشته است، با اشاره به اینکه از بین تمام کاشی‌های لعابدار که او می‌تواند به یاد بیاورد، آنهایی که در امامزاده یحیی هستند از بین تمام خالص‌ترین و درخشان‌ترین کاشی‌های لعابدار که در سه رنگ مختلف وجود دارند: زرد، برنجی و قرمز.

تاریخ کتیبه‌ها بر مقبره و پوشش داخلی آن دو مرحله مشخص کار بر امامزاده یحیی در دوره مغول را مستند می‌کند. اولین بار در دهه

۱۲۶۰/۶۶۰ اتفاق افتاد، همان‌طور که برخی کتیبه‌های موجود نشان‌دهنده وجود بسیاری از کاشی‌های لعابدار آن در موزه‌ها و مجموعه‌های جهان پراکنده شده‌اند. در بررسی جامع خود از سفال‌های لعابدار، الیور واتسون حداقل ۱۵۰ کاشی ستاره‌ای و صلیبی شکل از محوطه را گزارش می‌دهد، که در ۲۴ مجموعه پراکنده شده است.^۲ از زمان انتشار آنها، موارد دیگری نیز شناسایی شده است.^۳ بزرگ‌ترین مجموعه متعلق به موزه دولتی ارمیتاژ در سن‌پترزبورگ است، که گفته می‌شود بیش از یک هزار کاشی و قطعات کامل از امامزاده یحیی را در خود جای داده که در سال ۱۹۲۵ از مدرسه طراحی فنی اشتیگلیتس به موزه منتقل شده است.^۴ کاشی معمولاً بزرگ است (قطر تقریبی ۳۱ سانتی‌متر)، با یک طرح چهارضلعی گل یا هندسی در مرکز با یک کتیبه قرآنی در اطراف لبه تزئین شده است. ۶۰ نمونه در ارمیتاژ کتیبه‌هایی دارد که به تاریخ ختم می‌شود، از تاریخ ذی‌الحجه سال ۶۶۰ تا ربیع‌الثانی سال ۶۶۱ (۱۶ اکتبر سال ۱۲۶۲-۱۲ تا مارس ۱۲۶۳) را شامل می‌شود. علاوه بر کاشی‌های لعابدار ستاره‌ای و صلیبی شکل در بسیاری از موزه‌ها، محراب لعابدار برداشته شده از امامزاده یحیی نیز جان سالم به در برد و اکنون در بنیاد هنر اسلامی دوریس دوک در هونولولو واقع است (تصویر ۲).^۵

مانند دیگر محراب‌های آن دوره، این

1] Jane Dieulafoy, *La Perse, la Chaldée et la Susiane: Relation de Voyage* (Paris, 1887), pp. 147-149.

2 Oliver Watson, *Persian Lustre Ware* (London, 1985), p. 191, no. 11.

3 Venetia Porter, *Islamic Tiles* (New York, 1995), p. 35 and fig. 19

4 Vladimir Loukonev and Anatoli Ivanov, *Lost Treasures of Persia: Persian Art in the Hermitage Museum* (Washington DC, 1996), p. 130, no. 137; *Iran v Ermitaž: Formirovanie kollekciji* (St Petersburg, 2004), p. 136, no. 158.

5 Sheila S. Blair, "Art as text: The luster mihrab in the Doris Duke Foundation for Islamic Art", in *No Tapping around Philology: A Festschrift in Celebration and Honor*



تصویر ۳. کاشی‌های لعابدار پوشش مقبره امامزاده یحیی ورامین که جابه‌جا شده و اکنون در موزه ارمیتاژ سن پترزبورگ نگهداری می‌شود. عکس: شیلابلر و جاناتان بلوم

مجموعه شامل سه طاقچه تو در تو است که توسط چندین نوار کتیبه قاب گرفته شده است. صفحه بزرگ در پایین نام سازنده را نشان می‌دهد، علی بن محمد بن ابی طاهر، یکی از نشانه‌های برتر کاشی در این دوره، پس از تاریخ شعبان ۶۶۳/می ۱۲۶۵، دو سال بعد از کاشی‌های دورتادور است.^۱ بنابراین می‌توان تصور کرد که تصمیم برای ساختن امامزاده

of Wheeler McIntosh Thackston's 70th Birthday (Wiesbaden, 2014), pp. 407-436.

¹Watson, Persian Lustre Ware, Appendix I; O. Watson, "Abu Taher", Encyclopaedia



تصویر ۴. کتیبه گچبری تزئینات داخلی امامزاده یحیی ورامین. عکس: شیلا بلر و جانانان بلوم

یحیی در اوایل دهه ۱۲۶۰/۶۶۰ و کاشی‌های لعابدار سفارش داده شده از شهر کاشان گرفته شده، که در حدود ۲۰۰ کیلومتری جنوب مرکز تولید لعاب در ایران است. حدود پنج ماه برای ساخت بیش از هزار کاشی لعابدار مورد نیاز برای دورتادور داخل و دو سال دیگر برای ساختن شاهکار تزئینات طول کشید. ۶۰ کاشی لعابدار منحصر به فرد محراب را تشکیل می‌دهد. به صورت کلی فرآیند ایجاد محراب بسیار پیچیده است، همان‌طور که کاشی‌های موجود در آن فقط قالب و رنگ نیستند، در مرحله اضافه کردن حروف بزرگ به بتونه نیاز دارد (اتصال به وسیله خاک رس مایع).^۱ مرحله دوم کار در امامزاده یحیی در دهه

اول قرن هشتم/چهاردهم انجام شد. علاوه بر گروه کاشی‌های دورتادور مربوط به دهه‌های ۱۲۶۰/۶۶۰، ارمیتاژ مجموعه‌ای از چهار کاشی لعابدار (no. IR-1594) را در اختیار دارد که در کنار هم یک صفحه مستطیل را تشکیل می‌دهد (تصویر ۳).^۲ یک ردیف بالای سردر اشاره می‌کند که این قبر امام دانشمند یحیی است که خداوند به او آرامش داد. یک ردیف برجسته دیگر در لبه با تاریخ به پایان می‌رسد، ۱۰ محرم ۱۷۰۵/۲ آگوست ۱۳۰۵، و امضاء سفالگری که مجموعه را ساخته است، یوسف بن علی بن محمد، پسر سفالگری که محراب لعابدار را به تاریخ ۱۲۶۵/۶۶۳ برای همان مقبره ساخته بود. کتیبه زیر طاق در وسط

Iranica, and Grove Dictionary of Islamic Art and Architecture, "Abu Tahir".

۱ روند کار با جزئیات در کتاب شیلا بلر؛ هنر به عنوان متن؛ شرح داده شده است. 2 Loukonine and Ivanov, Lost Treasures of Persia, p. 153, no. 143.

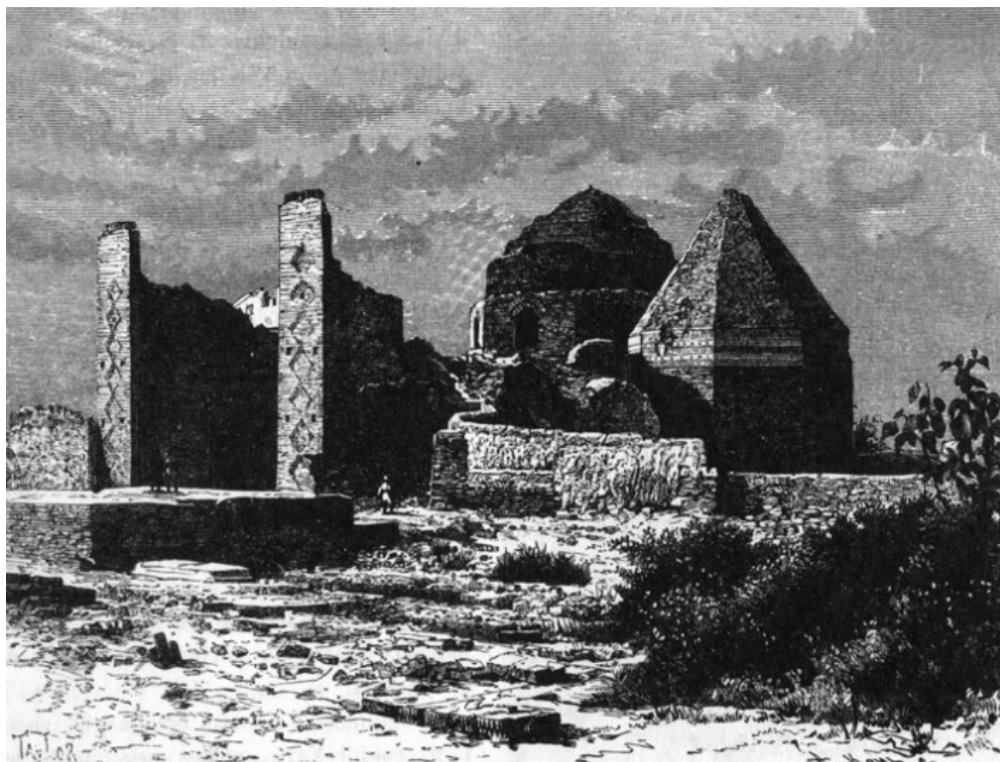


تصویر ۵. برج مقبره علاءالدوله ورامین. عکس: شیدا بلر و جانانان بلوم

الحسینی از سفالگران کاشان، که از آنها تاکنون یک نفر شناسایی شده است.^۱ این مجموعه از کاشی‌ها در ارمیتاژ

مجموعه ارمیتاژ با امضاء دوم پایان می‌یابد: تزئینات (صناعت) به‌وسیله علی بن احمد بن علی الحسین کاشانی، عضوی از خانواده

1 Watson, Persian Lustre Ware, p. 179.



تصویر ۶. تصویری از مجموعه اطراف امامزاده یحیی ورامین. برگرفته از دیولافوا
La Perse, la Chaldée et la Susiane, p. 147

به احتمال قسمت بالای مقبره بزرگ قبر امامزاده یحیی را پوشانده است که مشابه مقبره حضرت فاطمه در قم است.^۱ در مقایسه با آنچه که در قم است، کاشی‌های لعابدار بیشتری باید در مقبره امامزاده یحیی وجود داشته باشد. در قم یکی با کاشی‌های لعابدار پوشانده شده، شامل یک ردیف قرآنی دیگر که قاب را در بالا قرار می‌دهد، دو نوار بزرگ در بالا و پایین اضلاع که صفحاتی از کاشی‌های ستاره‌ای و صلیبی شکل و ستون‌های کوچک گوشه‌ای را در بر می‌گیرد. بیشتر کاشی‌های لعابدار ستون‌های کوچک قم در آغاز قرن هفتم/سیزدهم به دست دو سفالگر لعاب ساخته شده است: محمد بن ابی طاهر بن ابی حسین، کسی که لوحی در زیر پوشش

ستون‌های کوچک دارد و همکار منظم او، ابو زید، کسی که با پایه‌ریزی برجسته و بزرگ آن در بالا و پایین دو طرف تاریخ ۲ رجب ۱۲/۶۰۲ فوریه ۱۲۰۶ را امضاء کرده است. اما بعدها حداقل یک ستون کوچک به مقبره قم اضافه شد، همان‌گونه که توسط علی بن محمد ابی طاهر امضاء شده، پسر سفالگری که در اواسط قرن زمانی که محراب امامزاده یحیی را ساخته، آن را امضاء کرده است؛ بنابراین به نظر می‌رسد که کاشی‌های شکسته یا آسیب‌دیده با گذشت زمان جایگزین شده‌اند. در مورد ورامین، ما نمی‌دانیم که مقبره آیا در سال ۷۰۵/۱۳۰۵ ساخته شده یا اینکه تاریخ فقط قاب در سال ۷۰۵/۱۳۰۵ به یک مقبره لعابدار که قبلاً وجود

1 Mudarrisi Tabatabayi, Turbat-i pakan (Qum, [25]35/1976), I, pp. 46-52.

اندازه نمونه مقبره قم ۲/۹۵×۱/۲ متر است، که شامل یک ردیف قاب بیرونی با کتیبه قرآنی ۲:۲۵۵ که بخشی از مجموعه کاشی‌های لعابدار در سن پترزبورگ است.

داشته، اضافه شده است.

پوشش جدید مقبره تنها بخشی از کارهایی بود که در امامزاده یحیی در دهه آغازین قرن هشتم/چهاردهم انجام شده است. در همان زمان یک ردیف گچبری در بالای پایه ستونی که اتاق را محصور کرده، اضافه شد (تصویر ۴). با ظرافت یک پیچک گل دار، ردیف گچبری تنها کتیبه‌ای است که هنوز در مقبره موجود است. همچنین طولانی‌ترین و آموزنده‌ترین متن در مورد ساختمان است، برای پیروی از چهار آیه اول سوره ۶۲ قرآن کریم، کتیبه گچبری نه تنها تاریخ بلکه نام حامی آن را نیز نشان می‌دهد: سعی بانشاء هذه العمارة قربة لله تع وتشبثا لرضاته فضل الله تع علی عبده المذنب الخاطئ أبو محمد الحسن بن المرتضى بن الحسن بن محمد بن الحسن بن ابی زید تجاوز الله عن سیناته بمحمد وذریاته فی محرم سنة سبع وسبع مائة.

برای احداث این ساختمان به لطف خداوند متعال و در جهت رضایت او تلاش کردیم، به بنده گناهکار و خطاکار خود لطف کرد، ابو محمد الحسن بن المرتضى بن الحسن بن محمد بن الحسن بن ابی زید باشد که خداوند کارهای بد او را از طریق محمد و فرزندانش ببخشد، ماه محرم سال هفتصد و هفت (جولای ۱۳۰۷).

این تاریخ حدود دو سال پس از تاریخ روی مقبره، نشان می‌دهد که بازسازی‌های داخلی امامزاده یحیی اساسی بوده است. آنها

سطح بالایی از اعتبار مالی را نشان می‌دهد، تعجب آور نیست که تواریخ معاصر به ما اجازه دهند حامی ذکر شده در گچبری به‌عنوان فخرالدین حاکم محلی (مالک/ولی) استان ری و ورامین را در آغاز قرن هشتم/چهاردهم شناسایی کنیم. شاگرد چهارمین فرمانروای ایلخانی ارغون (حدود ۹۱-۱۲۸۴)، فخرالدین چندبار در جامع‌التواریخ رشیدالدین محصول می‌برد، جای تعجب نیست که غازان (۱۳۰۴-۱۲۹۵) پسر ارغون این وقایع را شرح می‌دهد.^۲ اولین بار از فخرالدین زمانی نام برده شد که وی درگیر اختلافات بین دو جانشین فرمانروایی دوم ایلخاین آباقا (۸۲-۱۲۶۵) بود: برادر و جانشینش احمد نگودار (۸۴-۱۲۸۴)، پسر و جانشین دوم وی ارغون.^۳ طبق تواریخ، در پاییز ۶۸۱/۱۲۸۲ ارغون، فخرالدین به‌عنوان حاکم ری تأیید شد. این عمل باعث خشم رقیب ارغون شد یعنی حاکم احمد نگودار، کسی که فخرالدین را به شهر شیروان منتقل و شکنجه داد. ارغون به‌نوبه خود، خشمگین شد، و به امیران و صاحب دیوان گفت که پدرش آباقا، ملک را به او داده و او انتقامی جزیی از کسی که همراهی نکنند، خواهد گرفت.

ارغون تهدید خود را در بهار سال بعد عملی کرد. در زمان زمستان بغداد، ارغون راهی خراسان شد جایی که پدرش وی را در آنجا به‌عنوان فرماندار آغاز کرد. با رسیدن به ری،

1 Repertoire chronologique d' ' epigraphie arabe ' , (ed.) Etienne Combe, Jean Sauvage, and Gaston Wiet (Cairo, ' 1931-91), no. 5222.

از ویلر تاکستون برای بررسی رونویسی و ترجمه این کتیبه شکر می‌کنم.

2 Robert Hillenbrand, A. C. S. Peacock and Furuza Abdullaeva (eds.), *Ferdowsi, the Mongols and the History of Iran: Art Literature and Culture from early Islam to Qajar Persia: Studies in Honour of Charles Melville* (London, 2013), p. 122.

-J. A. Boyle, "Dynastic and political history of the Il-Khans", in J.A. Boyle (ed.), *Cambridge History of Iran, V, The Saljuq and Mongol Periods* (Cambridge, 1968).

3 Jami'al-tawarikh, (ed.) Karımı, pp. 789-799; translated Thackston, pp. 551-559. Boyle, "Dynastic and political history of the Il-Khans", pp.364-368, and Jean Aubin, *Emirs Mongols et Vizirs Persans dans les remous de l'acculturation* (Paris, 1995), pp. 33-36.

ارغون یک مقام ناشناس (شحنه) را که احمد تگودار در آنجا مستقر کرده بود مورد ضرب و شتم قرار داد، و با دوشاخه (چوبی که به دور گردن یک زندانی بسته می‌شود و یک بازو را سنجاق می‌کند)^۱ قفل کرد، و با رسوایی سر بر الاغ به سمت رقیب خود فرستاد. این حوادث نمونه‌هایی از اختلاف در حال رشد بین دو شاهزاده مغول است، و روابط بین دو رقیب تنها پس از این دشواری نیز بدتر شد.

ملک فخرالدین به‌زودی در گزارش رشیدالدین در مورد نتیجه‌گیری دشمنی بین احمد تگودار و ارغون و حوادث منتهی به مرگ بار دیگر فعال می‌شود.^۲ در ۹ ذی القعدة سال ۶۸۲/۲۹ ژانویه سال ۱۲۸۴، تگودار احمد با اعزام یک لشکر صد هزار نفری مقابل ارغون رقیب خود به حرکت درآمد. یک حزب پیشرو تحت فرمانروایی داماد تگودار احمد، ژنرال گرجستانی آلیناک، از قزوین به راه افتاد، تا ورامین که در آنجا سه هزار خانواده صنعتگر (خانه‌ عوض) را که متعلق به ارغون بود، قبل از بازگشت به اردوگاه غارت کردند. پس از یادگیری این، رشیدالدین به ما می‌گوید، ارغون فرستادگان خود را خزانه و کارخانه‌هایی در نیشابور، توس و اسفراین فرستاد تا همه چیز موجود را بیاورد. ظرف بیست روز مقادیری طلا، جواهرات و منسوجات به گرگان جهت توزیع بین سربازان ارغون تحویل داده شد.

۱ برای دوشاخه نگاه کنید به:

ملک فخرالدین مسئول موجودی کالا را برعهده داشت. سرانجام بین دو طرف در ۱۶ صفر ۶۸۳/۴ می ۱۲۸۴ در جنوب قزوین درگیری اتفاق افتاد. پس از درگیری‌ها و دسیسه‌های بیشتر، سرانجام تگودار احمد به ارغون تحویل داده شد و وی حکم اعدامی را صادر کرد که در تاریخ ۲۶ جمادی الاول/۱۰ آگوست ۱۲۸۴ اجرا شد.

ملک فخرالدین همچنین یک دهه بعد در وقایع پس از مرگ برادر و جانشین ارغون گیخاتو (۹۵-۱۲۹۱) در جمادی الاول ۱۹۴/مارس ۱۲۹۵ و دوره کوتاه سلطنت بایدو (۱۲۹۵) دوباره در تاریخ رشیدالدین ظاهر می‌شود.^۳ با حمایت‌های یاغی قبلی امیر نوروز، غازان پسر ارغون در ۲ شعبان ۶۹۴/۱۷ ژوئن ۱۲۹۵ رسماً مسلمان شد.^۴ او از اوجان به سمت تبریز پایتخت پدرش پیشرفت کرد که در تاریخ ۲۳ ذی‌القعدة ۶۹۴/۴ اکتبر ۱۲۹۵ وارد آنجا شد. طبق روایت رشیدالدین، درحالی‌که در آنجا غازان دستورهایی را صادر کرد که خواستار مدارا کردن و سپس به دنبال آن ضیافتی در عادلیه کوشک در باغ تبریز بود، سپس در زمستان عازم منطقه مغان شد. در راه، غازان ملک فخرالدین را فرستاد، به‌وضوح هنوز مورد علاقه دربار بود. نوروز تیره شد، وفاداری خود را به غازان تأیید کرد و به‌عنوان امیر ارشد تأیید شد. در همان زمان غازان چندین انتصاب دیگر را نیز تأیید

Thackston's translation, *Jami' u't-tawarikh/Compendium of Chronicles*, p.93, n. 6.

برای توضیحات بیشتر نگاه کنید به:

Timothy May, *The Mongol Art of War* (Yardley, PA, 2007), pl. 5, bottom.

2 *Jamial-tawarikh*, (ed.) Karimi, pp. 789-799; translated Thackston, pp. 551-559.

3 *Jamial-tawarikh*, (ed.) Karimi, pp. 916-918; translated by Thackston, pp. 628-630; Aubin, *Emirs Mongols*, pp. 54-55 and 61-62.

۴ برای تاریخ دقیق و موقعیت نگاه کنید به:

Charles Melville, "Padshah-i Islam: The conversion of Sultan Mahmud Ghazan Khan", *Pembroke Papers* 1 (1990), pp. 159-177.

کرد، از جمله صدرالدین زنجانی به عنوان رئیس دیوان سلاری و فخرالدین به عنوان مباشر ارشد (اشرف بزرگان). غازان سپس به استپ قره‌باغ ادامه داد و در آنجا به تاریخ ۲۳ ذی‌الحجه ۶۹۴/۳ نوامبر ۱۲۹۵ به عنوان هفتمین حاکم ایلخانی ایران بر تخت نشست.

فخرالدین در دربار تحت حمایت برادر غازان و جانشین اولجایتو (۱۶-۱۳۰۴) بود. اولجایتو به رشیدالدین مأموریت داد که ادامه مجموعه تواریخ خود را درباره سلطنت سلطان بنویسد. این بخش از جامع‌التواریخ گم شده است، اما خوشبختانه سالنامه سلطنت اولجایتو که توسط ابوالقاسم کاشانی نوشته شده است، به احتمال یکی از منابع مجموعه تاریخ رشیدالدین باقی مانده است.^۱ ابوالقاسم کاشانی شامل یک موضوع طولانی درباره ملک فخرالدین طی سال ۸-۷/۱۳۰۷-۷۰۷ بود.^۲ فخرالدین، به گفته ابوالقاسم کاشانی، مظهر فرهنگ و پالایش در شش زبان و سه خط مهارت داشت (مغولی، فارسی و کوفی). او همچنین به حسابداری آشنایی داشت و سرشار از کمال بود، جز اینکه او در چهارشنبه ۲۰ شعبان ۷۰۷ (۱۴ فوریه ۱۳۰۸) در سلطانیه درگذشت، تنها هفت ماه پس از تاریخ کتیبه گچبری که هنوز در امامزاده یحیی ورامین وجود دارد.

ابوالقاسم کاشانی دلیل خوبی داشت که در روایات خود از وقایع ملک فخرالدین بسیار کامل نوشته است، زیرا وقایع از خانواده معروف ابی طاهر است که کارهای او در ورامین نصب شده است: او برادر یوسف بن علی بود، سفالگری که پوشش مقبره امامزاده یحیی را در سال ۷۰۵/۱۳۰۵ ساخت و برادرزاده علی بن محمد، سفالگری که در سال ۶۶۳/۱۲۶۵ محراب آنجا را ساخته بود. ابوالقاسم کاشانی رساله‌ای درباره جواهرات و مواد معدنی نوشت، عرایس الجواهر و نفایس الاطایب (عروس‌های جواهرات و عطرها گرانها)، که شامل یک بخش طولانی درباره ساخت سفال‌های زرین فام است.^۳ ابوالقاسم کاشانی باید ملک فخرالدین را به خوبی شناخته باشد، و اطلاعات وقایع‌نگاری دقیقی ارائه کند، اگر تا حدودی ستایش‌آمیز باشد.

ملک فخرالدین حسن حامی سخاوتمندی بود. پوشش درخشانی که وی برای مقبره امامزاده یحیی سفارش داد (تصویر ۳) گران‌ترین نوع سرامیک لعابدار برای تزئینات داخلی در ایران قرون میانی بود.^۴ از کاشی‌های لعابدار برای تزئین زیباترین ساختمان‌های دوره ایلخانی استفاده شده است، از حرم‌های بزرگ و مقبره‌ها گرفته تا ساختمان‌های غیرمذهبی

1 Abu'l-Qasim Kashanu, *Tarikh-i Uljaytu*, ed. Muhun Hamblı (Tehran, 1348). For Kashanu as a "research assistant" to Rashid al-Dins; Morgan, "Persian and non-Persian historical writing", pp. 122-123 and n. 4, citing A. H. Morton's introduction to *The Saljuqnama of Zahir al-Din Nishapur*, (ed.) A. H. Morton (Cambridge, 2004), pp. 23-25.

2 Kashanu, *Tarikh-i Uljaytu*, p. 75. This date thus supersedes the 709/1309-10 one given by Ibn al Fuwati; Charles Melville, "The Chinese-Uighur Animal Calendar of the Mongol Period", *Iran* 32 (1994), n. 26.

3 Abu al-Q asim Kashanu, *Ara'is al-jawahir wa nafais al-at .ayib*, ed. Iraj Afshar (Tehran, 1345/1966-7). James Allan, "Abu'l Qasim's treatise on ceramic", *Iran* 11 (1973), pp. 111-121,

4 Watson, *Persian Lustre Ware*, Chapter 10.

برای درباریان، مانند کاخ تابستانی در تخت سلیمان^۱ و رصدخانه مراغه^۲. جای تعجب نیست که ملک فخرالدین حسن این همه پول صرف تزئین مجدد امامزاده یحیی کرد: مقبره بزرگداشت یک حسنی، و ملک فخرالدین نیز یکی بود، برای شجره‌نامه طولانی به مدت شش نسل در کتیبه گچبری که نشان‌دهنده هر نسل یکی از خانواده‌های حسن نامیده شده است.

حمایت ملک فخرالدین نیز فراتر از امامزاده یحیی گسترش یافته است. وی همچنین برج آرامگاهی لبه برجسته را در منطقه شمالی ورامین سفارش داد (تصویر ۵).^۳ زیر سقف مخروطی در کاشی لعاب فیروزه‌ای کتیبه‌ای وجود دارد.^۴ که حاکی از آن است که این مقبره گنبدی (قبه) قبر علاءالدین مرتضی فخرالدین حسن الورامینی است.

بسمله { هذه } القبة { الاسلام الأنام علاء الدولة والدین رکن الإسلام والمسلمین کھف العترة الطاهرة المرتضی ابن المولی الأعظم فخر الدولة والدین الحسنی } الورمینی رضوان الله علیه وعلى أرواح أجداده مغن الأکارم بمحمد وآله مصابیح العلام توفی فی أربغ صفر سنة { خمس وسبعین وست مائه وتم هذه القبة فی سنة ۸۸ { ۶ }

بسم الله این مقبره (القبه).... از اسلام بشر علاءالدوله والدین، ستون اسلام و مسلمانان، پناهگاه خط پاکان، المرتضی، پسر استاد بزرگ (المولی) فخرالدوله والدین الحسنی الورامینی، رضایت خدا بر او و اجدادش باد. وی در ۴ صفر ۶۷۵ (۱۷ ژوئیه ۱۲۷۶) درگذشت. این مقبره (القبه) در سال ۶۸۸ (۹۰-۱۲۸۹) به پایان رسید.

در تفسیر اصل و نسب و تاریخ ذکر شده بر کتیبه برج آرامگاهی، مرحوم علاءالدوله المرتضی پدر ملک فخرالدین بود، کسی که همان صفت پدر المرتضی را دارد (پدر بزرگ ملک فخرالدین). طبق کتیبه، المرتضی که ستون اسلام و مسلمانان (رکن الاسلام و المسلمین) است و اصالت دارد (کھف العترة، به‌عنوان مثال از خانواده محمد بود)، و همچنین یک حسنی بود. علاءالدین المرتضی در ۴ صفر سال ۶۷۵/ ۱۷ جولای ۱۲۷۶ درگذشت، اما آرامگاه تا بیش از یک دهه بعد در سال ۱۲۸۹/۶۸۸ به پایان نرسیده است. این فاصله زمانی سؤال‌برانگیز است، زیرا مقبره‌ها معمولاً در طول زندگی و یا بعد از مرگ شخص جهت یادبود سفارش داده می‌شوند.

مطالعه زندگی‌نامه ملک فخرالدین توضیحاتی درباره این نابهنجاری ارائه می‌دهد و در کنار هم قرار گرفتن اطلاعات مربوط به تاریخچه و بناها به ما اجازه می‌دهد شرح حال کاملی از این حاکم محلی ترسیم کنیم. ابوالقاسم کاشانی در شرح حال فخرالدین بیان می‌کند که وی در جوانی از دنیا رفته است. اگر

فرض کنیم که فخرالدین بوده است، وی در هنگام مرگ در سال ۷۰۸/۱۳۰۸ چهل ساله بوده است، پس، او تنها هشت سال داشت که پدرش در سال ۶۷۵/۱۲۷۶ درگذشت. او ممکن است موقعیت پدر را از ملک به ارث برده است، اما بعید است او در این جوانی ساختمانی را سفارش داده باشد. شش سال بعد در پاییز

1 Tomoko Masuya, "Ilkhanid courtly life", in Linda Komaroff and Stefano Carboni (eds.), *The Legacy of Genghis Khan: Courtly Art and Culture in Western Asia*, 1256–1353 (New York, 2002), pp. 74–104.

2 Parviz Vardjavand, "La Decouverte archéologique du Complexe scientifique de l'Observatoire de Maraghe", in *Actes du VII. Internationalen Kongresses für Iranische Kunst und Archäologie*, München 7–10 September 1976, pp. 527–536 (Berlin, 1979), pl. 8.

3 Wilber, *Architecture of Islamic Iran*, no. 21; Ganjnameh 13/3, pp. 78–81.

4 *Repertoire chronologique d'épigraphie arabe*, no. 4912.

سال ۶۸۱/۱۲۸۲، شاهزاده ارغون، که ملک را پدرش آباقا به ارث برده بود، فخرالدین را در این رتبه تأیید کرد، اما اندکی بعد فخرالدین را به شیروان منتقل کردند و در آنجا شکنجه دادند، او باید اندکی پس از آنکه ارغون، شاه ناشناسی را که رقیبش احمد تگودار در ورامین را تعیین کرده، به عنوان ملک دوباره بر عهده گرفت. طی چند سال آینده ملک فخرالدین می‌توانست برای ساختن برج آرامگاهی برای پدرش پول جمع‌آوری کند، فاصله زمانی سودمند که فخرالدین به‌ویژه از لطف خداوند در کتیبه تأسیس برج آرامگاهی بر سر مزار پدرش تشکر کرده است. متن بسیار هوشمندانه نوشته شده است، به عنوان تلاش ملک فخرالدین برای خشنودی خدا با نام پدرش یک جناس خوب ایجاد می‌کند.

با توجه به شجره نامه طولانی که با دقت بر کتیبه گچبری در امامزاده یحیی ثبت شده، معلوم نیست که آیا حمایت از حرم نوعی سنت خانوادگی بوده است، به‌ویژه در بازسازی مکرر آرامگاه مربع‌شکل. به‌راحتی می‌توانیم فرض کنیم که مرتضی پدر فخرالدین یا حتی پدر بزرگش حسن، بازسازی اصلی مقبره مربع‌شکل را در دهه‌های ۶۶۰/۱۲۶۰ انجام داده است. کار در حرم ممکن است تاریخ بیشتری را نشان دهد، برای امامزاده یحیی، هرچند ممکن است بی‌آلایش باشد، زمانی بخشی از یک مجموعه بزرگ‌تر بود که دیولافوا توصیف و نشان داده است. در تصویر (تصویر ۶) یک درگاه ویران در مقابل برج آرامگاه به همراه یک برج آرامگاهی هشت‌ضلعی دیگر

در سمت راست نشان داده شده، که هم اکنون نابود شده است.^۱ دیولافوا مشاهده‌گر دقیقی بود و اظهار داشته که ساختمان‌های دیگر از گذشته وجود داشته است. از آنجا که همه ساختمان‌ها از بین رفته است، ما هیچ راهی برای تأیید پیشنهادهای او نداریم، اما برخی از مجموعه‌ها به‌خوبی می‌توانند قبل از ساخت مجدد مقبره مربع‌شکل در دهه‌های ۶۶۰/۱۲۶۰ قدمت داشته باشند.

بناهای ورامین به ما کمک می‌کند تا شبکه سیاست محلی، قدرت و حمایت از ایران دوره مغولی را ردیابی کنیم. مهم‌ترین حامی آنها در حدود قرن هشتم/چهاردهم حاکم محلی فخرالدین حسن بود.^۲ وی به افتخار پدرش علاءالدین مرتضی در سال ۹۰/۶۸۸-۱۲۸۹ برجی آرامگاهی ساخت و فضای داخلی امامزاده یحیی را بین سال‌های ۷۰۵ و ۷۰۷ (۷-۱۳۰۵) بازسازی کرد، مقبره‌ای که در دهه ۱۲۶۰/۶۶۰ تزئین شده بود، به‌احتمال توسط یکی از اعضای قبلی خانواده‌اش و شاید حتی زودتر تأسیس شده است. یکی از حامیان حاکمان مغول از آباقا تا اولجایتو، ملک فخرالدین در دولت خود نیز به وزیران ایرانی نزدیک بود، از رشیدالدین تا دستیارش ابوالقاسم کاشانی، که به مشهورترین خانواده کاشی‌کار در کاشان تعلق داشت، خود صنعتگران مأمور تزئین امامزاده یحیی بودند. اما حاکمان ری و ورامین نیز به خانواده‌های محلی دیگر متصل بودند. آنها پسرعموهای حاکمان سمنان بودند: مطابق با شجره‌نامه‌ای که مورخ ژان اوبین تهیه کرده، پدر بزرگ فخرالدین، فخرالدین نیز نامیده می‌شود و برادری به نام

1 Dieulafoy, La Perse, la Chaldee et la Susiane, p. 147.

۲ شجره نامه حاکمان ورامین وجود دارد در:

Aubin, Emirs Mongols et Vizirs Persans, p. 87.

می‌توان براساس کتیبه برج آرامگاهی اصلاح کرد: پدر فخرالدین علاءالدین مرتضی بود (نه علاءالدین محمد)، و پسر فخرالدین، محمد نامیده می‌شود.

قاسم داشت که با زهره دختر حاکم سمنان ازدواج کرد.^۱ نوه آنها شیخ معروف صوفی بود، علاءالدوله سمنانی بود (متوفی ۷۳۶/۱۳۳۵)، که مقبره او در خانقاه خود در خارج از سمنان قرار گرفته است.^۲ مجموعه آرامگاه وی یکی از «شهرهای کوچک خدا» بود که در این دوره در اطراف قبور مقدس صوفی گسترش یافته است.^۳ همین‌طور زیارتگاه‌های شیعه برای فرزندان خاندان پیامبر، و آنها اغلب بهتر حفظ می‌شوند زیرا امروزه نیز مورد احترام هستند.

فخرالدین و هم‌تایان وی نمونه‌ای از حامیان فرهیخته و هنرمند آن زمان هستند. درآمد محلی آنها از کشاورزی و تجارت بود، آنها برخی از درآمد‌های خود را به جامعه برگرداندند، و نه تنها بناها بلکه وسایل مجلل خود را نیز وقف کردند. محراب امامزاده یحیی، به‌عنوان مثال، بزرگ‌ترین نمونه از شش نمونه باقی‌مانده از قرن هفتم و هشتم / سیزدهم و چهاردهم است، بزرگ‌ترین این دو نمونه برای حرم امام رضا مشهد ساخته

شده است.^۴ ملک فخرالدین به‌عنوان فردی که مسئول تهیه فهرستی از کالاهای شان‌زا مانند طلا، جواهرات و منسوجات برای پرداخت به سربازان بود، به‌خوبی با چنین کالاهایی آشنایی داشت و قادر به خرید آنها بود.^۵

تأثیر ملک فخرالدین در ورامین با مقبره پدرش و بازسازی مقبره امامزاده یحیی متوقف نشد. میراث معماری او را شاگردانش ادامه دادند، عزالدین قوه‌دی، حامی مسجد جماعت جدیدی بود که در زمان سلطنت پسر اولجایتو ابوسعید (۳۵-۱۳۱۶) طی سال‌های ۷۲۲ تا ۷۲۶ (۲۶-۱۳۲۲) در این شهر ساخته شد.^۶ این مسجد تنها مسجد جامع از دوره ایلخانی است که نقشه سنتی چهارایوانی را نشان می‌دهد، بنابراین متعارف است. حامی آن از خانواده محلی دیگری از شیعیان، به‌احتمال حسنی بود. وی از طریق دیوان‌سالاری پیشرفت کرد، سرانجام هنگامی که مقام را با رشیدالدین در سال ۷۱۵/۱۳۱۵ تقسیم کرد دستیار وزیر

1 Ibid.

۲ آرامگاه و خانقاه در غرب سمنان از بین رفته است.

Wilber, Architecture of Islamic Iran, no. 262;

برای عکس‌های قدیمی نگاه کنید به:

Andre Godard, "Khorasan", *Athar- e' Iran* 4 (1949), p. 90 and Fig. 70 and "Voutes iraniennes", *ibid*, Figs. 219, 220, and 238

3 Lisa Golombek, "The cult of saints and shrines architecture in the fourteenth century", in Dickran K. Kouymjian (ed.), *Near Eastern Numismatics, Iconography, Epigraphy and History: Studies in Honor of George C. Miles* (Beirut, 1974), pp. 419-430; Sheila S. Blair, *The Ilkhanid Shrine Complex at Natanz, Iran* (Cambridge, MA, 1986); Sheila S. Blair, "On giving to shrines: 'Generosity is a quality of the people of Paradise'", in Linda Komaroff (ed.), *Gifts of the Sultan: The Art of Giving at the Islamic Courts* (New Haven, 2011), pp. 51-74.

4 Blair, "Art as Text", Table 1.

۵ درباره نقش کالاها در دوره مغول نگاه کنید به:

Thomas T. Allsen, *Commodity and Exchange in the Mongol Empire: A Cultural History of Islamic Textiles* (Cambridge, 1997), and Thomas T. Allsen, *Culture and Conquest in Mongol Eurasia* (Cambridge, 2001).

6 Aubin, *Emirs Mongols et Vizirs Persans*, p. 84, identifies 'Izz al-Dīn; on the building, see Wilber, *Architecture of Islamic Iran*, no. 64 and Sheila S. Blair, "Religious art of the Ilkhanids", in Komaroff and Carboni (eds.), *The Legacy of Genghis Khan*, pp. 121-123.

تاج‌الدین علی‌شاه شد. ابوالقاسم کاشانی عزالدین را ستایش می‌کند، مانند معلم خود ملک فخرالدین، به خاطر ثروت و سخاوت وی.^۱

دیوید مورگان به صورت مفصل و طولانی دربارهٔ نقش نوشتار تاریخی در دوره مغول صحبت کرده است. مقاله اخیر وی با عنوان خط فارسی و غیرفارسی در امپراتوری مغول بحثی را که وی بیش از سه دهه قبل آغاز کرده بود، ادامه می‌دهد.^۲ او به درستی نشان می‌دهد که دورهٔ مغول به عنوان یک نقطه برجسته در نوشتار فارسی ذکر شده و همچنین یکی از مهم‌ترین و پربرترین‌ها به‌شمار می‌رود. اما همان‌طور که نمونه‌های ورامین و محوطه‌های دیگر نشان می‌دهد، متون تنها منابع تاریخ آن دوره نیستند. بناها و تزئینات آنها به یک اندازه با کیفیت و به همان اندازه فراوان است. آنها نه تنها در مرکز بلکه در استان‌ها نیز منابع خوبی برای نوشتن تاریخ دوره مغول هستند.

1 Kashani, *Tarikh-i Uljaytu*, pp. 136, 154 and 195.

2 Morgan, "Persian and non-Persian historical writing", and David Morgan, "Persian historians and the Mongols", in David Morgan (ed.), *Medieval Historical Writing in the Christian and Islamic Worlds* (London, 1982), pp. 109–124.

“Contents”

Article

- Seals and Sealing from Dehsavar** | S Pollock, R Bernbeck, and Ch Kainert, Persian translated by Mandana Sadafi & Mojtaba Charmchian 4
- Barfabad Stone Coffin; Evidence from a Parthian Burial on the Edge of the Islamabad Plain West of Kermanshah** | Shahram Aliyari & Sajjad Alibaigi 16
- Differences and similarities in Gandhāran art production: the case of the modelling school of Haḍḍa (Afghanistan)** | Alexandra Vanleene, Persian translated by Bagher Fazeli 22
- The Goddess Nana and the Kušan Empire: Mesopotamian and Iranian Traces** | Manyā Saadi-Nejad, Persian translated by Bagher Fazeli 43
- Introduction of Shirpanah Bridge on the Ariuhan-Ctesiphon Way** | Ali Nourallhi 51
- Unfinished Carvings in Ravansar, Kermanshah** | Naser Amini Khah 67
- Architecture as a Source for Local History in the Mongol Period: The Example of Warāmīn** | Sheila Blair, Persian translated by Mohsen Saadati 76
- An Analysis of Architectural Elements of Shiite in Qajar Tomb Buildings and Compared to Sunni Tombs in West Azarbaijan** | Esmail Marofi Aghdam, Ali Sadraei, Fariborz Tahmasebi 91

Obituary

- Mir Abedin Kaboli, Ahmad Kabiri, Pierre Amiet, Asghar Karimi & Bert G. Fragner** | Arshak Iravanian 113

- In search of Ērānšāhr, Records and scientific studies of Antonio Panaino, Italian Iranologist** | Afshin Aryanpur 3



ایران ورجاوند

○ ○ ○ ○ ○
| Iran-e Varjavand (Glorious Persia) |
| Persian Journal Of Iranain Studies |
| Vol. 4, No.7, Autumn & Winter 2022 |

Concessionaire, Manager in Charge
and Editor-in-chief:

| Dr Shahin Aryamanesh |

Managing Editor: **Houshang Rostami**

 Tehran, Iran, Post box: 14515-569

 www.iranvarjavand.ir

 Iranvarjavand@hotmail.com

 +98 9395969466

Window Screen, ca. 6th-7th century
Sasanian (?), Iran, Qasr-i Abu Nasr
The Metropolitan Museum of Art, USA

All rights reserved. No part of this publication may be reproduced, stored in a retrieval system or transmitted in any form or by any means, electronic, mechanical, photocopying, recording or otherwise, without prior permission in writing, from the publisher.

With Contributions by

| Tisaphemes Archaeological Research Group |





Persian Journal of Iranian Studies / Vol. 4 / No. 7 / Autumn & Winter 2021



ایران
ورجاوند

Iran-e Varjavand
(Glorious Persia)

- ◆ Seals and Sealing from Dehsavar
- ◆ Unfinished Carvings in Ravansar, Kermanshah
- ◆ Introduction of Shirpanah Bridge on the Ariuhan-Ctesiphon Way
- ◆ The Goddess Nana and the Kušan Empire: Mesopotamian and Iranian Traces
- ◆ Architecture as a Source for Local History in the Mongol Period: The Example of Warāmīn
- ◆ Barfabad Stone Coffin; Evidence from a Parthian Burial on the Edge of the Islamabad Plain West of Kermanshah
- ◆ Differences and Similarities in Gandhāran art Production: the Case of the Modelling School of Hadda (Afghanistan)
- ◆ An Analysis of Architectural Elements of Shiite in Qajar Tomb Buildings and Compared to Sunni Tombs in West Azarbaijan